

نقش و جایگاه شهید باقری در طرح ریزی استراتژی نظامی و فرماندهی جنگ

سخنرانی سردار سرلشکر پاسدار دکتر سید رحیم صفوی^(۱)

سقوط و سوسنگرد نیز پس از سقوط آزاد شده بود. پاسداران، عزیزان ارتشی و نیروهای مردمی نیز طرح ریزی منسجمی نداشتند. شاید نخستین کار منسجمی که در جبهه های جنوب انجام شد، اقدامات شهید حسن باقری بود. بنده پس از مدت کوتاهی که در جبهه دارخوین بودم، به فرمانده ستاد عملیات جنوب منصوب شدم، کار بزرگی که شهید حسن باقری [در این ستاد] کرد، این بود که از همان سال ۱۳۵۹ ساماندهی جبهه های نبرد را انجام داد. آن زمان ما محورهای آبادان، سوسنگرد، شوش را داشتیم. از همان زمان، آموزشها آغاز و سازمان رزم مطرح شد. خدایش با اولیا محشور کند، در مورد

بسم... الرحمن الرحیم، الحمدا... رب العالمین سلام و درود بر حجت بن الحسن عسکری که صاحب اصلی انقلاب اسلامی است.

نوزده سال پیش در چنین روزهایی، ملت بزرگ ایران شهادت سرلشکر شهید یکی از بزرگترین قهرمانان مدافع دین، ملت و کشور را شاهد بود. در اینجا در مورد بزرگداشت شهادت این فرمانده دلاور سپاه توحید به اشاره چند نکته بسنده می کنم؛ نکته هایی همچون ویژگیهای فرماندهی شهید غلامحسین افشردی و مطلب دوم اینکه این شهادتها برای ما چه کار سازی می کند. نخستین ویژگی شهید باقری در بعد نظامی نبوغ فکری وی بود. این شهید بزرگوار رانه تنها یک فرمانده، بلکه باید یکی از استراتژیستهای هشت سال دفاع مقدس، دانست که در تدوین جنگ انقلابی و استراتژی آن در مقابله با دشمن بعثی عراق، از نبوغ در طرح ریزیهای عملیاتی، راه اندازی واحدهای اطلاعاتی، سازماندهی یگانهای رزم و آموزش نیروهای مردمی برخوردار بود. این بزرگوار در ذهن الهی خود، جنگ نامتقارنی را به پیروزی می رساند که طرف مقابل تمام تجهیزات و امکانات از عده و عده گرفته تا پشتیبانی برتر اقتصادی، سیاسی و تبلیغی را داشت و نیروهای اسلام تقریباً، با آن قابل قیاس نبودند.

به یاد خود و شما بزرگواران می آورم زمانیکه در روز ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۵۹، همراه با حدود صد نفر از پاسداران، مستقیم به خوزستان و اهواز وارد شدم، صحنه جنگ به صورت بسیار عجیبی بود و هیچ سر و سامانی نداشت؛ خرمشهر، بستان، مهران و قسمت شمال غرب سرپل ذهاب (۱) این سخنرانی به مناسبت نوزدهمین سالگرد شهادت شهید باقری ایراد شده است.



این شهید بزرگوار را نه تنها یک فرمانده، بلکه باید یکی از استراتژیستهای هشت سال دفاع مقدس، دانست که در تدوین جنگ انقلابی و استراتژی آن در مقابله با دشمن بعثی عراق، از نبوغ در طرح ریزیهای عملیاتی، راه اندازی واحدهای اطلاعاتی، سازماندهی یگانهای رزم و آموزش نیروهای مردمی برخوردار بود

جمع بزرگی از فرماندهان و بعضی از نیروهای سیاسی بود، متعجب شد و وی را تحسین کرد. جبهه خوزستان را از آبادان تا دزفول به طور دقیق صحنه و واقعیت جنگ و دشمن و نیروهای خودی را به بهترین وجه ترسیم کرد. قدرت بیان، استدلال و منطق قوی ایشان تنها در مورد تشریح مسائل نبود، بلکه در برخورد با فرماندهان دیگر نیز همین شکل را داشت. وضعیت جنگ ما طوری بود که با فرماندهان تیبها و لشکرهایمان در روندی منطقی به طرح ریزی عملیات می رسیدیم، ایشان بسیاری از فرماندهان را همچون شهید باکریها، خرازیها و همتها را جدا، جدا نسبت به عملیاتها توجیه می کرد. شهید باقری هر شب پیش از خواب، عملکرد آن روزش را می نوشت. مطمئن هستم که دست نوشته های ایشان هنوز باقی است،^(۱) اتفاقاتی ما کنار هم بود در قرارگاه کربلا، گلف سابق، که ما نام آن را پایگاه منتظران شهادت گذاشته بودیم، آخرین چراغی که خاموش می شد، مال ایشان بود. همان طور که گفتم، ایشان تمامی مطالب و وقایع را می نوشت و منظم ترین فرد در نوشتن، ایشان بود. ویژگی دیگر این شهید عالی مقام، شجاعت وی بود. شجاعت ایشان در ایمان و توکلش ریشه داشت. من شهادت می دهم در روزهای عملیات، شهید باقری در خط مقدم جبهه نبرد بود. این در حالی بود که در بسیاری از موارد، من مانع رفتن ایشان می شدم. در نخستین عملیاتی که ۲۳ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ عملیات (فرمانده کل قوا - خمینی روح...) انجام دادیم و با عده لیلی، حدود ۳۲۰ نفر به لشکر ۳ زرهی تقویت شده عراق حمله کردیم. و حدود ۳/۵ کیلومتر پیشروی کردیم و با همکاری شهید مهندس طرح چی - از بچه های جهاد سازندگی - خاکریز زدیم، عراقیها هشت شبانه روز پاتک کردند و نتوانستند آن خاکریز را بگیرند. در روز سوم یا

اینکه سازمان رزم از دسته و گروهان و گردان چگونه چند نفر و چه سلاحهایی داشته باشد، چندین بار، به طور مفصل با ایشان بحث کردم. برادر عزیزم، سرلشکر رشید، جانشین بنده در فرماندهی عملیات و شهید حسن باقری، معاون اطلاعات ستاد عملیات جنوب بود. روی تنظیم سازمان نظامی تلاش زیادی شد تا برای نیروی انسانی تجهیزات آن، خودروها و سازمان رزم نوشته شود. این شهید بزرگوار برای آموزش نیروها، آموزش اطلاعاتی - عملیاتی، کارگسترده ای را آغاز کرد. ایشان در طرح ریزیهای عملیات، چه شکستن حصر آبادان و چه عملیاتها بعدی طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس نقش بی نظیری داشت. انصافاً، در بعد طرح ریزی عملیات از نظر قدرت فکری و تجسم وضعیت دشمن، زمین، نیروهای خودی و پیدا کردن ضعف دشمن و تمرکز نیروهای خودی بر نقاط ضعف دشمن، ایشان یک استراتژیست جنگ و فرمانده فکوری در جنگ نامتعارف و جنگ انقلابی بود. قدرت بیان، استدلال، منطق و نوشتن ایشان از دیگر ویژگیهایش بود. در جلسات مختلف، کسی جز ایشان نمی توانست به بهترین وضع، وضعیت جبهه ها را تشریح بکند.

به یاد دارم در زمان بنی صدر ضدانقلاب، در جلسه ای حضور پیدا کردیم که بنده و شهید باقری از سپاه در این جلسه شرکت کردیم، بنی صدر هم به عنوان رئیس جمهور و فرمانده کل قوا بود و مقام معظم رهبری هم به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع حضور داشتند. خوب، باید وضعیت جبهه ها تشریح می شد، من از این شهید عالی مقام خواستم که برای تشریح جبهه ها برود. هنگامی که این بزرگوار با آن جثه ظریف، قلب نورانی و سخنان توأم با حکمت الهی پای تابلو، رفت خدا می داند تمام آن جمع، که

(۱) به دلیل اهمیت دست نوشته های شهید باقری در بخش اسناد قسمتی از این دست نوشته ها به چاپ رسیده است.

چهارم، به سر من ترکش اصابت کرد و از صحنه خارج شدم؛ بنابراین، شهید باقری فرماندهی خط مقدم را عهده دار شد و جبهه را ننگ داشت. بدین ترتیب خط سقوط نکرد و آن منطقه تصرف شد. همان عملیات مقدمه شکستن حصر آبادان را در ۵ مهر ماه همان سال فراهم کرد. در عملیاتی دیگری که در حال حاضر، بیشتر به یاد دارم، شهید باقری با شجاعت تمام در خط مقدم، کنار بسیجیان، پاسداران و جایی که داریم در معرض شهادت بود، حضور داشت.

ما باید افکار و اندیشه های بزرگواران و فرماندهانی را که هر یک، نابغه جنگ بودند، چه در بعد آموزشی و چه در بعد عملیاتی تدوین کنیم تا آنان به عنوان فرماندهی که از تفکر ویژه نظامی [بهره مند] بودند، زنده بمانند؛ کاری که انشا... آغاز خواهد شد. هر یک از این بزرگواران الگویی از انسانهای به خدا پیوسته و کامل بودند. حال، وظیفه ما در مورد ایشان چیست؟ هم اکنون، چگونه می توان از این انسانهای کامل به عنوان یک الگو هم برای خودمان و هم برای مجموعه نیروهای مسلح استفاده کرد؟

شهید باقری فرمانده مخلص بود که زندگی و جانش را وقف دفاع از اسلام کرده بود و با اینکه تازه ازدواج کرده و فرزند چند ماهه ای داشت، جبهه را ترجیح می داد. در واقع، این شهید مخلص تمامی امور اعم از زندگی، ازدواج، دفاع و... را در ارتباط با خدا می دید. را در ارتباط با خدا می دید. آیا این اخلاص برای ما کارساز نیست؟ آیا ما که می خواهیم ادامه دهنده راه شهیدان باشیم، به اینگونه اخلاصها نیاز نداریم؟ رفتار انسانی شهید باقری طوری بود که می توانست با تمامی گروههای سنی چه پسر بچه چهارده، پانزده ساله ای که در جبهه های دفاع مقدس بوده چه پیر مردها ارتباط برقرار کند و با آنها طوری برخورد می کرد که همگی عاشق امام، دفاع و... می شدند. نحوه تعامل ایشان با انسانها این گونه بود. شهید باقری خود را فدایی بسیجیان می دید. همواره این جمله ای به یارم است: «من خاک پای بسیجیان هم نیستم». بله، ایشان تا این حد برای بسیجی ای که به جبهه می آمد، ارزش قائل می شد. هنگامی که ایشان برای سرزدن به لشکرهای رفت، پیش من می آمد و می گفت: «خاک بر سر ما که نمی توانیم غذا، لباس و مکان درست و حسابی برای این بسیجیان تهیه کنیم». گاه نیز در چنین مواقعی، اشک می ریخت [او] تا این حد برای مجاهدین فی سبیل... ارزش قائل می شد و به فکر آنها بود، ما تا چه اندازه به فکر زیر مجموعه هستیم؟ آیا پس از جنگ، بسیجیان و جانبازان را به فراموشی نسپردیم؟ چقدر به آنها که یک میلیون از جوانان این مملکت بودند، خدمت کرده ایم؟

برای دویست و سیزده هزار شهید چه کاری انجام داده ایم؟ برای سیصد و بیست هزار جانبازی که سی هزار آنها مجروح شیمیایی هستند، چه کرده ایم؟ اینها پرسشهایی از خودم و خودمان است. آیا تا آن حد که شهید باقری نسبت به لباس غذا و زندگی بسیجیان حساس بود، ما نیز حساس هستیم؟ ما نسبت به عزیزی که در جنگ بودند یا پرسنلی که هم اکنون، زیر مجموعه ما هستند، تا چه حد حساسیت داریم؟

شهید باقری خود را فدایی امام (ره) و سرباز کوچک ایشان می دید. امیدواریم که ما نیز مانند ایشان خود را سرباز مقام معظم رهبری بدانیم. این شهید بزرگوار زندگی خود را فدای امام حسین (ع) کرد. قلب او مالا مال از عشق به این امام بزرگوار بود. در ایام محرم و روزهای تاسوعا و عاشورا، شهید باقری میدان دار می شد و نوحه می خواند و گاه تا حدی به سر خودش می زد که از هوش می رفت. وی عشق عمیقی به امام حسین (ع) داشت. من هنوز چهره نورانی و اشکهای شهید باقری را در مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی به یاد دارم و هنوز صدای این عزیز در مراسم به گوش من می رسد. خدا کند که قلبهای ما نیز همواره به عشق امام حسین (ع) بتپد و خود را در راه این امام بزرگوار ببینیم و از راه ایشان و فلسفه قیام حسینی، که پیروزی خون بر شمشیر است، غافل نشویم.